



## پست مدرنیته و معماری

امیربانی مسعود

نشر خاک، ۱۳۸۷

کتاب حاضر با عنوان «پست مدرنیته و معماری» به بررسی جریان‌های فکری معماری معاصر غرب در سال‌های ۲۰۰۰ - ۱۹۶۰ پرداخته و این سال‌های تلاقی فلسفه و معماری را به شیوه‌ای نظام‌مند ارائه می‌دهد. مؤلف تلاش می‌کند هر فصل را مستقل از فصول دیگر و براساس بستر فکری مطرح شده در دانشگاه‌های ایران ارائه دهد و کتاب بر آن است تا پاسخی به نیاز آموزشی مباحث نظری معماری و شناخت معماری باشد و در عین حال عموم نیز بتوانند نظریه‌ها و سبک‌های معاصر غرب را فرا گیرند.

کتاب همان‌گونه که مؤلف در یادداشت خود می‌آورد تجربه‌ی شخصی وی در امر تدریس دروس «مبانی نظری معماری» و «معماری معاصر» است. تجربه‌ی یک دهه تدریس در دروس مذکور بیان‌گر آن است که دانشجو برای مطالعه و سنجش موضوعات مربوط به «تاریخ معماری معاصر غرب» بیشتر نیازمند راهنمایی است تا یاد گرفتن مجموعه‌ای از «ایسم‌ها». بنابراین کتاب هدف اصلی خود را گشودن راهی برای بازخوانی مباحث و متون تأثیرگذار و جریان‌ساز معماری غرب دانسته است.

کتاب در شانزده فصل ارائه شده است:

- پیش‌درآمدی بر مفاهیم
- متفکران پست مدرنیته
- متفکران پست مدرن کلاسیسیسم
- علم‌گرایی پست مدرنیته
- زیبایی‌شناسی و هنر پست مدرن
- پست مدرنیته و دگرگونی مفاهیم فضا
- پست مدرن و فمینیسم
- پست مدرن و فرهنگ عامه
- بوم‌گرایان عصر پست مدرن
- نئوخردگرایان معاصر
- پیش‌قراولان پست مدرن کلاسیسیسم
- پست مدرن کلاسیسیسم
- زیست محیط‌گرایی پست مدرن
- دیکانستراکشن
- نئومدرن

- پست مدرنیزاسیون و دگرگونی مفاهیم فرم  
تلاقی فلسفه و معماری در بین سال‌های ۱۹۶۰ تا ۲۰۰۰ میلادی عاملی بوده است تا مؤلف این دوران را مستقل بررسی کند. هر فصل متمایز از دیگر فصول آمده اما هر جا که ضرورت ایجاد می‌کرده است، ارجاع‌های درون متنی نیز داده شده است. فصل‌بندی‌ها همان‌گونه که مؤلف می‌گوید تا حد زیادی سلیقه‌ای هستند و بیشتر براساس ذوق و بستر فکری مطرح در دانشگاه‌های ایران نوشته شده‌اند. با توجه به آموزشی بودن کتاب و در عین حال بهره‌مندی خواننده‌ی غیرمتخصص، مطالب به گونه‌ای تدوین شده که تا حد ممکن با ارائه‌ی توضیحات روش خواننده بتواند از پیچیدگی‌های نظریات جدید سردرآورد. نظام‌مندبودن مباحث نظری معماری و اتکا به نظریات طرح شده‌ی فلسفی و تبیین آن، از مهم‌ترین سرفصل‌های کتاب است.

مؤلف در بخشی از مطالب دیکانستراکشن می‌نویسد:

با توضیحات بیان شده می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که هیچ‌گاه دیکانستراکشن نه در حیطه‌ی فلسفه و ادبیات و نه در معماری، به عنوان یک سبک مطرح نشد، چنان که به غلط در تألیفات وطنی از آن به عنوان یک سبک نام می‌برند. بنابراین چون دیکانستراکشن هیچ‌گاه به عنوان یک سبک مطرح نشد، نمی‌توان قائل به نابودی آن شد. چرا که دیکانستراکشن گونه‌ای نگاه به هستی و نقد ادبی و صرفاً دیدگاه نظری است. بنابراین، تأثیر دیکانستراکشن در حیطه‌ی معماری، فراتر از چند کار ساخته شده با این بینش است. مهم‌ترین تأثیر دیکانستراکشن در معماری، شک در لزومات شکل‌گیری یک پروژه‌ی معماری است. این دیدگاه هم اکنون در گرایش‌های مختلف معماری بعد از دهه‌ی ۹۰ میلادی نیز وجود دارد، بنابراین اطلاق واژه‌ی سبک در متون نوشتاری معاصر به زبان فارسی سطحی‌نگری مؤلفان ایرانی را نسبت به مباحث مذکور نشان می‌دهد.

نویسنده درباره‌ی شیوه‌های ذکر مآخذ تلاش کرده تا نقل قول از منابع اصلی ذکر شوند و هر جا نوشته‌ای هم به زبان فارسی و هم به زبان انگلیسی در اختیار داشته، اولویت را به مآخذ انگلیسی داده است. کتاب در ۳۹۵ صفحه با تصاویر (سیاه و سفید) همراه شده است.